

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

The Study of Utopia and Dystopia Ideas from Contemporary Iranian Poet's Perspective (Sohrab Sepehri and Fereydoun Moshiri)

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

اندیشه‌های آرمان‌شهر و پادآرمان‌شهر از دیدگاه صاحب‌نظران شعر معاصر ایران (سهراب سپهری و فریدون مشیری)

مسعود حق لسان^{۱*}، زهره عباس‌زاده^۲، محمدحسین اسلام‌پور^۳

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلخچی، گروه معماری، ایلخچی، ایران.
۲. پژوهشگر دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جلفا، گروه معماری، جلفا، ایران.
۳. پژوهشگر دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جلفا، گروه معماری، جلفا، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۸ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۸ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۶/۰۱

چکیده

آرمان‌شهر، نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست نیافتنی باشد. آنچه فریدون مشیری به عنوان آرمان‌شهر به دنبال آن است شامل مدینه‌ای با ویژگی‌هایی از قبیل توجه به ابعاد انسانی، عدالت اجتماعی، مهوروزی و عشق میان همه‌ی انسان‌هاست و همچنین از عناصر آرمانی اشعار سپهری می‌توان به دیدگاه او با رویکردی عرفانی و عاشقانه اشاره داشت. سهراب سپهری در مجموعه اشعار خود در «هشت کتاب» برای تفسیر آرمان‌شهر و راه‌های رسیدن به آن از عناصر و مصالح معماری چون خانه، درگاه، اتاق، مسجد و... و مصالحی چون سنگ، گل، خشت و... استفاده کرده است.

پژوهش حاضر، تلاشی است برای بررسی دو مفهوم آرمان‌شهر و پادآرمان‌شهر در شعر سهراب سپهری و فریدون مشیری، و نیز یافتن عناصر آرمانی و پادآرمانی در آثار فریدون مشیری و سهراب سپهری شاعران نامدار معاصر.

در این پژوهش سعی شده تا هشت کتاب سهراب و کتاب‌های فریدون مشیری را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و دیدگاه شعر معاصر و مولفه‌های آن رابه تفسیر کشیده و میزان اثرپذیری از اجتماع و اثربخشی آن را دریابد. و تصویری روشن و شفاف از آرمان‌خواهی این شاعران ارائه گردد. این پژوهش ابتدا به بررسی پیشینه تحقیق و سپس تعریف آرمان‌شهر پرداخته است و آرمان‌شهر را از دیدگاه دو شاعر بزرگ معاصر ایران و همچنین عناصر آرمانی و پادآرمانی را در اشعار بررسی نموده است.

روش پژوهشی که در این مقاله به کار رفته به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی اشعار بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آرمان‌شهر، پادآرمان‌شهر، سهراب سپهری، فریدون مشیری.

مقدمه

تقسیم‌بندی فکری شاعران نوپرداز در گروه شاعرانی قرار می‌گیرد که شعرش علی‌رغم نگاهی اجتماعی به دنیای اطراف، رگه‌هایی از عرفان خاص را در بطن خود نهفته دارد و طبیعتاً آرمان‌شهر او نیز از این مشرب فکری تأثیر پذیرفته است. اما عرفان سهراب، از نوع عرفان دست و پاگیر و محصور در چارچوب‌های تنگ صوفیانه و یا روابط پیچیده مراد و مریدی نیست، بلکه بسیار ساده، فراگیر، اجتماعی و

ترسیم آرمان‌شهر که در آن مردم در سلامتی و رستگاری زندگی می‌کنند، معادل بهشت زمینی است. آرمان‌شهر، نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست‌نیافتنی باشد. سپهری در

* نویسنده مسئول : amhaghlesan@yahoo.com ۰۹۱۴۹۱۱۶۴۷۴

در آن، ضمن اشاره به ویژگی‌های شهر در شعر معاصر عربی و تفاوت‌های آن با روستا، به مقوله آرمان‌شهر در شعر این دوره نیز می‌پردازد؛ اما در این رساله، نمادهای آرمان‌شهری به صورت مجزا بررسی نشده است.

در ادبیات کلاسیک فارسی نیز نمونه‌های بسیار از اشاراتی به جهان آرمانی یا آرمان‌شهر، می‌توان یاد کرد. از سیاوش‌گرد در شاهنامه گرفته تا اندیشه‌های آرمانی سعدی «در مجموعه مقالات کتاب ذکر جمیل سعدی» و نیز نظامی گنجوی که به صورتی مستوفا در کتاب استاد «زرین‌کوب» با نام «پیر گنج» در جستجوی ناکجاآباد» از آن یاد شده است. در بعضی کتب همچون دیدار با اهل قلم، برگ‌هایی در آغوش باد و چشمه روشن نیز به اختصار، آرمان‌شهر در شعر بزرگان ادب ایران بررسی شده است.

سؤالات تحقیق

۱. آرمان‌شهر در اشعار فریدون مشیری و سهراب سپهری نماینگر چه چیزی است؟
۲. عناصر آرمانی و پادآرمانی در آثار فریدون مشیری و سهراب سپهری چگونه شکل گرفته‌اند؟
۳. شهر آرمانی مشیری و سپهری دارای چه ویژگی‌هایی است و چگونه می‌توان به خصوصیات شهر آرمانی شاعران پی برد؟

تعریف آرمان‌شهر

«آرمان‌شهر معادل فارسی واژه اتوپیا و مرکب از دو واژه یونانی "topos" به معنی مکان و "ou" به معنی "نا" است. بنابراین اتوپیا یعنی آنچه در مکان نیست و وجود آن خیالی و آرمانی است. اولین کسی که این لفظ را بکار برده توماس مور (۱۵۳۵م) انسان‌گرای انگلیسی است. بعد از آن، این الفاظ را به هر کتابی که یک نظام آرمانی را برای جامعه انسانی تصویر می‌کرد اطلاق کردند. از این قبیل است کتاب شهر آفتاب اثر "کامپانلا" (۱۶۳۹م) و آتلانتیس جدید اثر فرانسیس بیکن (۱۶۲۶م)» (منتظمی، نوروزی و احمدی چناری، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

آرمان‌شهر یا یوتوپیا، شهر، جامعه یا دولتی آرمانی و کامل است که اهل آن، تاریخ ندارند و به دور از هرگونه نگرانی و ترس و آسوده از اندیشه مرگ، در شهر خود به کار مشغول‌اند. یوتوپیا شهری زمینی است که مردان آن، جایگاهی معین در شهر دارند و این انتظام را چیزی جز قانون آن شهر معین نکرده است که آن هم ساخته و پرداخته دست بشر است. آرمان‌شهر، رویای بازگشت به بهشتی است که آدم از آنجا رانده شد، اما در شکل بخشی آرمان‌شهر، اوصاف این بهشت به شهری زمینی نسبت داده می‌شود که در زندگی انسان متجلی است (شاه سنی، ۱۳۷۷: ۳۲).

قابل استفاده تمام جوامع و اجتماعات بشری است. بسیاری، اندیشه سپهری را به اندیشه‌های عرفانی شرق آسیا به ویژه تفکرات بودایی نزدیک می‌دانند. «خدایی که او به آن ایمان دارد آن خدایی نیست که عارفی از سر شوق دیدار و تب عشق او در حالت سماع سر از پا نمی‌شناسد» (آشوری، امامی و معصومی همدانی، ۱۳۵۹: ۲۶). «پشت دریاها» نقطه عطف اندیشه سپهری است. اوجی است که تمام فراز و فرود جریان فکری شاعر در آن موج می‌زند. شعر، سفر و سلوکی است که در آب، آغاز می‌شود و باید در آب پایان یابد، در یک کلام آرمان‌شهر شاعر و دل‌زدگی‌های او از عادت‌های روزمره کندن و فرار از آنها به روشنی در این اشعار دیدنی است.

در این پژوهش سعی شده تا «هشت کتاب» سهراب و کتاب «ابر و کوچه» فریدون مشیری را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و دیدگاه شعر معاصر و مولفه‌های آن را به تفسیر کشیده و میزان اثرپذیری از اجتماع و اثر بخشی آن را دریابد.

پیشینه تحقیق

وجود آرمان‌شهر یا مدینه فاضله پیشینه‌ای به قدمت بشر دارد. از هنگامی که جامعه انسانی پدید آمده انسان در جستجوی آرمان‌شهر بوده که گاه آن را به صورت بهشت این جهانی تصور کرده است. کهن‌ترین افسانه شناخته شده درباره بهشت این جهانی حماسه گیل‌گمش است (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۲).

در این حوزه تحقیقات خوبی انجام گرفته است از جمله: مقاله اسماعیل صادقی (۱۳۹۳) «بررسی نوستالژی آرمان‌شهر در اشعار شاعران معاصر» که مهم‌ترین خاستگاه فکری آرمان‌شهر در شعر شاعران معاصر را کهن‌ترین الگوها، ایران باستان و اساطیر، بهشت زمینی و اندیشه ظهور منجی و مهدویت برمی‌شمرد که این عنصر به عنوان یکی از نمودهای نوستالژی در شعر شاعران معاصر نمود یافته است. همچنین جمال احمدی و زمانی (۱۳۹۰) در مقاله خود که «بررسی آرمان‌شهر در اشعار فریدون مشیری» نام دارد، اطلاعات مفیدی در مورد آرمان‌شهر در اشعار فریدون مشیری می‌دهد. مهم‌ترین نتایج حاصل شده در این پژوهش گویای آنچه فریدون مشیری به عنوان آرمان‌شهر به دنبال آن است بوده که شامل مدینه‌ای با ویژگی‌هایی از قبیل توجه به ابعاد انسانی، عدالت اجتماعی، مهرورزی و عشق میان همه انسان‌هاست.

کتاب «چشم اندازهای آرمان‌شهر در شعر معاصر فارسی» از فاطمه حیدری (۱۳۸۷)، که بیشتر با تکیه بر آثار شاعرانی همچون نظامی، عطار و... بررسی شده است و سپس نگاهی به دنیای آرمانی برخی سرایندهگان معاصر فارسی می‌اندازد. همچنین رساله‌ای با عنوان «شهر از نگاه شعر عربی معاصر» از عباس گنجعلی (۱۳۸۸) تدوین شده است که نویسنده

و نه بی‌عدالتی و فقری دیده می‌شود. او با سحر حلالش، به جنگ هر عنصری که به شهر آرمانی او لطمه بزند می‌رود. زبان شعری او که بسیار تر و تازه و سلیس و روان است بسیاری از واقعیت‌های جامعه را که مورد پسند او نیست درمی‌نوردد و در تلاش‌هایش، دنبال پسندها و آرمان‌هایش می‌گردد. ویژگی‌های شهر آرمانی فریدون مشیری، عدالت، انسانیت و توجه به ابعاد انسانی، صلح و آشتی، مهرورزی، عشق و محبت است. به نظر می‌رسد مهرورزی و محبت، مهم‌ترین عنصری است که آرمان‌شهر مشیری را شکل می‌دهد. شعر او، شعر عشق، محبت، مهر و عاطفه است. شاید مبالغه نباشد اگر بگوییم که در دیوان او کمتر شعری باشد که جامعه بشری را به مهر و راستی، درستی، عشق و محبت دعوت نکرده باشد: *ای همه مردم، درین جهان به چه کارید؟*
عمر گران مایه را چگونه گذرانید؟

فریدون مشیری همیشه می‌کوشد تا مفاهیم انسانی پیامش را بی‌غل و غش و ساده به گوش خواننده برساند و با زبانی ساده از فقدان مؤلفه‌های آزادی، پاک‌ی، مروت و اخلاقیات سخن می‌گوید که در دوره سلطه قلدراه‌های سیاسی مثل «موسی‌چومب‌ها»، آزاداندیشی به حساب می‌آیند. گاهی احساسات انسان‌دوستانه شاعر باعث می‌شود او گام‌هایش را از وطن محدود و معین فراتر گذارد و صلح و دوستی و آرامش را برای جهانیان آرزو کند. «او از جمله شاعرانی است که حقیقت و مهربانی نسبت به سایرین فقط در آرمان‌شهرش تجلی می‌یابد» (شریفیان، ۱۳۸۶: ۸۰).

در این وطن مردم همیشه در آشتی و صلح هستند. به مال یکدیگر طمع نمی‌کنند و از جنگ، خونریزی، فتنه و آشوب خبری نیست. وطنی سرشار از عشق، دوستی، محبت و صفا که در آن بدها، نیرنگ خفته، محبت و خوبی بیدار است. نمادهای وطنی اشعار او عبارت است از: باغ، دشت خشک، بیشه، چمن، گلزار، مادر، جنگل پژمرده، مرداب، خانه، ویرانه، کوه، سرای ظلمت، گلشن خزان زده، غم‌کده، خاکدان و بیابان. مشیری هیچگاه امید را از یاد نمی‌برد و یکی از دغدغه‌های همیشگی‌اش بازگشت انسان به انسانیت است. مشیری حتی پای خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران می‌گذارد و نسخه‌ای با نام «دوست بدارید» برای تمام مردم جهان تجویز می‌کند: *ای همه مردم، در این جهان به چه کارید؟* / *عمر گرانمایه را چگونه گذرانید؟* / *هر چه در عالم بود اگر به کف آید، هیچ ندارید اگر عشق ندارید /* *وای شما! دل به عشق اگر نسپارید، /* *گر به ثریا رسید، هیچ نیرزید /* *عشق بورزید! /* *دوست بدارید!* (مشیری، ۱۳۸۶: ۹۶۵).

زندگی‌نامه سهراب سپهری

دوره ابتدایی را در دبستان خیام کاشان (۱۳۱۹) و متوسطه را در دبیرستان پهلوی کاشان (خرداد ۱۳۲۲) گذراند و پس

به لحاظ مفهومی، آرمان‌شهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی است، که از جمله آرزوهای کهن انسان بوده است، آرزویی کاملاً طبیعی که عمری به درازای عمر آدمی دارد. در واقع با تحقق این آرزو، مکانی پیدا می‌شود که مجمع همه خیرها و فضیلت‌هاست و در آن از شر و شیطان خبری نیست. ویژگی‌هایی که برای این مکان برشمرده می‌شود، آن چنان شوق‌انگیز است که کمتر کسی هوس رفتن بدانجا را نکند و البته بسیاری از اندیشمندان سیاسی سعی بر ایجاد چنین آرمان‌شهری داشته‌اند و به تعبیری می‌توان تاریخ اندیشه سیاسی را داستان جذاب و پرماجرایی کوشش برای تاسیس آرمان‌شهر دانست (حسینی، ۱۳۷۵: ۲۷).
آرمان‌شهر نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست‌نیافتنی باشد. «پیشینه بکارگیری چنین مفهومی به هزاره دوم قبل از میلاد می‌رسد. مثلاً در حماسه گیلگمش، توصیفی از یک بهشت زمینی به دست داده شده است» (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۲).

زندگی‌نامه فریدون مشیری

مشیری یکی از شاعران نوپرداز ایرانی و از مفاخر عرصه شعر و ادب معاصر ایران است که بی‌شک از رده بزرگانی می‌تواند باشد که جانشین‌ناپذیرند. او در سی‌ام شهریور ۱۳۰۵ شمسی در تهران (محلّه عین‌الدوله سابق) چشم به جهان گشود. جد پدری‌اش به واسطه مأموریت اداری به همدان منتقل شده بود و از سرداران نادرشاه بود. پدرش «براهیم مشیری افشار» فرزند محمود، در سال ۱۲۷۵ شمسی در همدان متولد شد و در ایام جوانی به تهران آمد و از سال ۱۲۹۸ در وزارت پست مشغول خدمت شد. او نیز از علاقه‌مندان به شعر بود. مشیری سال‌های اول و دوم تحصیلات ابتدایی را در تهران بود و سپس به علت مأموریت اداری پدرش به مشهد رفت و بعد از چند سال دوباره به تهران بازگشت و سه سال اول دبیرستان را در دارالفنون گذراند و آنگاه به دبیرستان ادیب رفت (دهباشی، ۱۳۷۸: ۴۵۵؛ محمد آملی، ۱۳۸۲: ۱۹؛ افشار، ۱۳۷۸: ۱۱ و شاکری یکتا، ۱۳۸۴: ۱۹).

مشیری از همان دوران کودکی به شعر علاقه داشت. درباره سال‌های کودکی‌اش نوشته است: «در آن ایام سخت به شعر علاقه نشان می‌دادم. صدها بیت از حافظ حفظ داشتم تا در میدان مشاعره که در مدرسه ترتیب داده می‌شد پیروز باشم» (دهباشی، ۱۳۷۸: ۴۵۶).

آرمان‌شهر از دیدگاه فریدون مشیری

فریدون مشیری یکی از شاعران بنام، صاحب سبک و مطرح شعر معاصر فارسی است. جستجوهای او در اشعارش نشان از آن دارد که مشیری شاعری است که به دنبال مدینه آرمانی خود است. در شهر آرمانی مشیری، نه خشم و خشونت، نه تبعیض و تباہی، نه خودکامگی و استبدادی

جدول ۱. واژه‌شناسی عناصر معماری از کتاب ابر و کوچه فریدون مشیری. مأخذ: نگارندگان.

نام واژه	تعداد واژه	اشعار منتخب و مرتبط با عناصر معماری	صفحه	منبع	تفسیر
کوچه	۲	بی‌تو، مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم	۵۰	ابر و کوچه	کوچه در این‌جا نماد مکان و فضای خاطره‌انگیز است.
		همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم شدم آن عاشق دیوانه که بودم!	۵۱		
اتاق	۴	در این اتاق ساکت تاریک هرگاه، من نگاه تو را شعر می‌کنم نوری، به تاروپود هوا، رنگ می‌زند از تاج آفتاب خدا، زرنگارتر!	۴۳	از دیار آشتی	اشاره به تنهایی انسان دارد.
مسجد	۱	آنک! آن شاعر آزاده پرست، عاشق شادی و زیبایی و مهر، که «وضو ساخته از چشمه عشق» چار تکبیر زده یک‌سره بر هر چه که هست، چون سلیمان جهان است، ولی باد به دست!	۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰	با پنج سخن‌سرا	اشاره به خوبی‌ها و پاکی‌ها دارد.
		تاجی از «سلطنت فقر» به سر، «کاغذین جامه» آغشته به خونس در بر، تشنه صحبت پیر، «گر ز مسجد به خرابات رود خرده مگیر»!			
		همچو جامش، لب اگر خندان است؛ دل پر خونس اندوه عمیقی دارد			
درگاه	۳	ای سپیدار کهنسالی که هیچ از قیل و قال ما نمی آسود این حیاط مدرسه این کبوترهای معصومی که ما روزی به آن‌ها دانه می‌دادیم این همان کوچه همان بن بست این همان خانه همان درگاه این همان ایوان همان در آه! هرگز مباح چشم به راه همیشه پای بسی آرزو رسیده به سنگ همیشه خون کسی ریخته است بر درگاه	۶۳ ۶۴ ۱۰۲	سوغات یاد / هنوز همیشه هرگز	درگاه نماد دروازه است.

گماشت. در آذر ۱۳۳۳ در اداره کل هنرهای زیبا (فرهنگ و هنر) در قسمت موزه‌ها شروع به کار کرد و در هنرستان‌های هنرهای زیبا نیز به تدریس می‌پرداخت. در مهر ۱۳۳۴ ترجمه اشعار ژاپنی از وی در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسید. در مرداد ۱۳۳۶ از راه زمینی به کشورهای اروپایی سفر کرد و به پاریس و لندن رفت. ضمناً در مدرسه هنرهای زیبای پاریس در رشته لیتوگرافی نام‌نویسی کرد. وی همچنین کارهای هنری خود را در نمایشگاه‌ها به معرض نمایش گذاشت. حضور در نمایشگاه‌های نقاشی همچنان تا پایان عمر وی ادامه داشت.

آرمان شهر از دیدگاه سهراب سپهری

سپهری همچون تمام صاحبان اندیشه، دنیای فعلی را کامل و بی‌نقص نمی‌داند لذا به دنبال جهانی است که کمبودها

از فارغ‌التحصیل شدن در دوره دوساله دانش‌سرای مقدماتی پسران به استخدام اداره فرهنگ کاشان درآمد. در شهریور ۱۳۲۷ در امتحانات ششم ادبی شرکت نمود و دیپلم دوره دبیرستان خود را دریافت کرد. سپس به تهران آمد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و هم‌زمان به استخدام شرکت نفت در تهران درآمد که پس از هشت ماه استعفا داد.

سپهری در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعه شعر نیمایی خود را به نام «مرگ رنگ» منتشر کرد. در سال ۱۳۳۲ از دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد و به دریافت نشان درجه اول علمی نایل آمد. در همین سال در چند نمایشگاه نقاشی در تهران شرکت نمود و نیز دومین مجموعه اشعار خود را با عنوان «زندگی خواب‌ها» منتشر کرد. آنگاه به تأسیس کارگاه نقاشی همت

جدول ۲. واژه‌شناسی مصالح معماری از کتاب خاموشی. مأخذ: نگارندگان.

نام واژه	تعداد واژه	اشعار منتخب و مرتبط با مصالح معماری	صفحه	منبع	تفسیر
آجر	۲	درست گویی جانی به صد هزار دهان نگاه در نگه آفتاب می خندد	۵۶	مسخ	به معنای عامل
		نه برج آهن و سیمان نه اوج آجر و سنگ	۵۷	/	فاصله و
		که راه بر گذر آفتاب می بندد / من سال‌های سال، در حسرت شنیدن یک نغمه نشاط، در آرزوی دیدن یک شاخسار سبز، یک چشمه، یک درخت، یک باغ پر شکوفه، یک آسمان صاف، در دود و خاک و آجر و آهن دویده ام	۶۶	سال‌های سال	جدایی به کار رفته است.
شیشه	۹	در روزهای کودکی ام باران می بارد روی شیشه‌های امروز لکه‌هایی تازه می بینم که مثل خیال شب‌های رو به ستاره بزرگ می شوند/ تی تیک تی تیک در این کران ساحل و به نیمه شب نوک می زند "سیولیشه" روی شیشه/ پنجره فقط دیوار می بیند که سایه‌ها در آن می میرند و ماه همیشه از نیم رخ شیشه‌ای دور به خانه می نگرد/ گرتة روشنی مرده برفی همه کارش آشوب بر سر شیشه هر پنجره بگرفته قرار/ چوک و چوک... گم کرده راهش در شب تاریک شب پره ساحل نزدیک دم به دم می کوبدم بر پشت شیشه.	۲۱	او ، آن	به معنی شیشه
		۴۶	مسافر	و کنایه از	
		۷۸	/سیولیشه/	روشنی و	
		۷۹	از این	دریچه‌ای به	
		۶۳	پنجره به	سوی امید	
		۵۸	بعد من از دنیا	به کار رفته است.	
سنگ	۲۰	درست گویی جانی به صد هزار دهان نگاه در نگه آفتاب می خندد نه برج آهن و سیمان نه اوج آجر و سنگ که راه بر گذر آفتاب می بندد/ اگر ماه بودم به هر جا که بودم سراغ تو را از خدا می گرفتم و گر سنگ بودم به هر جا که بودی سر رهگذار تو جا می گرفتم/ درون آینه‌ها در پی چه می گردی؟ بیا ز سنگ بپرسیم که از حکایت فرجام ما چه می داند بیا ز سنگ بپرسیم زانکه غیر از سنگ کسی حکایت فرجام را نمی داند همیشه از همه نزدیک تر به ما سنگ است/ خوشه ماه فرو ریخته در آب شاخه‌ها دست بر آورده به مهتاب شب و صحرا و گل و سنگ همه دل داده به آواز شباهنگ	۵۶	مسخ/ ماه و	سنگ نماد
		۸۹	سنگ / بیا	محرم اسرار	
		۳۹	زسنگ	می باشد.	
		۴۰	بپرسیم/		
		۵۰	ابر و کوچه		
پنجره	۳	پنجره فقط دیوار می بیند که سایه‌ها در آن می میرند و ماه همیشه از نیم رخ شیشه‌ای دور به خانه می نگرد/ تو نیستی که ببینی چگونه عطر تو در عمق لحظه‌ها جاری است چگونه عکس تو در برق شیشه‌ها پیداست چگونه جای تو در جان زندگی سبز است هنوز پنجره باز است تو از بلندی ایوان به باغ می نگری درخت‌ها و چمن‌ها و شمعدانی‌ها به آن ترنم شیرین به آن تبسم مهر به آن نگاه پر از آفتاب می نگرند.	۷۸	از این	نماد دریچه‌ای
		۱۱۵	پنجره به	ارتباطی به	
		۱۱۶	بعد من از دنیا	دنیایی دیگر است.	
				می ترسم/ تونستی که ببینی	

نظام همگن آرمان شهر سپهری را تشکیل می‌دهد. وی در این شعر نیز به مانند تمام شعرهایش با ابداع زبانی شاعرانه و توسل به طبیعت و اجزای آن به مثابه اسطوره کل، توانسته است چشم‌اندازی بگشاید که تماشایی است و پنجره، دریچه‌ای است که شاعر از آن به سوی آرمان شهر خویش می‌نگرد، آرمان شهری که هر چند ناکجاآباد سپهری است اما باید به سوی آن برود. آرمان شهر سهراب سپهری که حتماً دنباله «شهر» را یدک نمی‌کشد و چیزی جز بازگشت به بدویت نیالوده نیست همچون هر آرمان شهر دیگری «سراب» است اشعار سهراب مانند سعدی نگاه مصلح‌گرانه به جامعه دارد، می‌خواهد جامعه‌اش آباد و مرفه و سالم و صالح باشند؛ «هر چه دشنام از لب‌ها خواهم چید ... راه خواهم رفت ... نور خواهم خورد» (سپهری، ۱۳۷۷: ۸۲). نگاه سهراب به طبیعت نگاه سبز آفرینش و بشردوستانه و از سر خیرخواهی و برکت است. «آب را گل نکنیم در فرو دست انگار کفتری می‌خورد آب» (همان). اگر نمی‌توان فقر را در جهان از بین برد، پس ما نیز زمینه‌ساز فقر در جامعه نباشیم. مرام و مسلک سهراب فروتنی و تواضع است. او موضوعات و مضامین حسی و عقلی را به خوبی با اشیاء تلفیق می‌کند. همه اقشار جامعه با شعر سهراب روزگار خود را می‌بینند و شعرش اختصاص به یک طبقه و قشر خاص ندارد. سهراب آرمان شهر خود را در افقی بازتر می‌نماید. برخورد عاشقانه و عرفانی سهراب با اشیای پیرامون و محیط زندگی‌اش ما را ناگزیر می‌کند تا پیوندی میان اصالت کلام او و اجزای طبیعت بیابیم ضمن اینکه در اصل، فکر و خط اندیشگی وی «سفر» از شهر و دیاری است که مطلوبش نمی‌یابد و قبلاً نیز در شعر، آرزوی آن را در سر پرورانده است. شعر «ندای آغاز» از این دید موزی و همسان با شعر «پشت دریاها» است. «بوی هجرت می‌آید» این هجرت

و نواقص این جهانی در آن راه نداشته باشد. آرمان شهر سپهری دنیایی آرمانی و دلپذیر که ریشه در گذشته زندگی بشری دارد. گروهی این توصیف سهراب از آرمان شهر از دست رفته را جهان معنایی می‌دانند که قرن‌ها پیش، مولوی نیز بدان اشاره کرده بود «هم ازینجا و از آنجا نیستیم ما زبی جائیم، بی‌جا می‌رویم» (مولوی، ۱۳۷۴: ۳۷۱). اگرچه شباهت‌های فراوانی می‌توان بین بهشت موعود و باغ موصوف سهراب پیدا کرد. مکان رویایی و حسرت بار سهراب، باغی است که بشر اولیه در همین جهان مادی و نه جهان معنا، به دور از پیچیدگی‌های رایج، در آن سکونت داشته است. برخی از شاعران، آرمان شهر را در تخیل خود پی می‌ریزند و با توصیف آن، احساس امنیت و آرامش می‌کنند. از جمله این شاعران سهراب سپهری در شعر «پشت دریاها» از مجموعه حجم سبز از چنین آرمان شهری سخن گفته است.

در شعر «پشت دریاها» سپهری، دو دنیا رو در روی هم قرار دارند که شاعر در دنیای اولی جز تاریکی و خاموشی چیزی نمی‌بیند و اساطیر و قهرمانان آن هستی ندارند و در دنیای دیگر آزادی، معرفت، مردم با صفا و نور موج می‌زند و سپهری برای رسیدن به این آرمان شهر، به هیچ چیز دل بستگی ندارد و از همه چیز می‌گذرد:

«پشت دریاها شهری است / که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است. / بام‌ها جای کبوترهایی است، که به فواره هوش بشری می‌نگرند. / دست هر کودک ده ساله شهر، شاخه معرفتی است. / ... خاک، موسیقی احساس تو را می‌شنود...» (سپهری، ۱۳۹۰: ۱۸۸) در این بند شعر، آرزوهای شاعر نمود یافته است. پنجره دریچه‌ای است که شاعر از آن به آرمان شهر خویش می‌نگرد و عناصر مثبتی چون «شاخه معرفت» و «فواره هوش بشری» در بخش تجلی و پنجره می‌گنجد و

جدول ۳. عناصر آرمانی و پادآرمانی در اشعار مأخذ: نگارندگان.

عنوان	آثار	عناصر آرمان شهر و پادآرمان شهر
فریدون مشیری	با پنج سخن سرا	مشیری عشق خود به شاعران بزرگ ایران زمین را منعکس می‌کند. این مجموعه شامل سروده‌های در توصیف فردوسی، خیام، نظامی، سعدی و حافظ است.
ابر و کوچه		در این اثر زمزمه‌های اعتراض شاعرانه‌ای شکل می‌بندد خاموش، بی‌سر و صدا و خالی از شعار و غوغاسازی. اینجا هراسی از نامردمی‌ها، تجاوز انسان به انسان و طبیعت، جنگ و خونریزی را زمزمه می‌کند. زمزمه‌های اعتراض‌آمیز متوجه بی‌عدالتی‌ها گاه‌وبیگاه انسان فکر می‌کند مقدر است و رهایی از آن غیرممکن. شاعر انتظاراتی از خالق هستی دارد.
ماه و سنگ		بر ارزش مقام مادر تأکید می‌کند و او را والاتر از هر چیزی می‌داند.
از دیار آشتی		او عشق را می‌ستاید انسان را می‌ستاید، او نجابت احساس و صدق و صفای شاعرانه‌اش را که شایسته و نشانه یک هنرمند واقعی است حفظ می‌کند. عشق را زمزمه می‌کند و از دیار دوستی، از دیار آشتی پیام انسانیت را در گوش ما می‌خواند.

سپهری در اشعار خود برای تفسیر آرمان شهرش و راه‌های رسیدن به آن از عناصر و مصالح معماری استفاده کرده است، که سعی بر آن شده تا در جداولی با تفکیک مضامین، تعیین میزان تکرار آنها در اشعار و یادکر منابع، به تفسیر آنها بپردازیم. با عناصر و اجزا شهرآرمانی و یادآرمانی آشنا و به تفکیک آنها پرداخته و

به خاطر این است که شاعر حرفی از جنس زمان نشنیده و گرنه به این صراحت نمی‌گفت: «باید امشب بروم» او در «ندای آغاز» هم نشانه‌هایی از آرمان شهر خود می‌دهد. او می‌داند که چه می‌خواهد بگوید و فی‌الواقع سیر و سلوک معنوی او از آغاز هشت کتاب تا پایان در راستای تبیین نظام خاص اندیشه‌اوست.

جدول ۴. رویکرد و پیام اشعار. مأخذ: نگارندگان.

عنوان	آثار	پیام	رویکرد
اشعار فریدون مشیری	با پنج سخن سرا ابر و کوچه	بزرگداشت شاعران ایران بی‌عدالتی و نظام طبقاتی	انعکاس عشق شاعر به شاعران بزرگ ایران زمین اعتراض خاموش، بی‌سروصدا و خالی از شعار و غوغاسازی. زمزمه‌های اعتراض‌آمیز متوجه بی‌عدالتی‌ها گاه‌وبیگاه انسان فکر می‌کند مقدر است و رهایی از آن غیرممکن.
ماه و سنگ	عشق به مادر	رویکرد عظمت مقام مادر و بزرگداشت او	
از دیار آشتی	دعوت انسان به صلح و آشتی	مهرورزی و عشق و صلح، تنها معیار ارزش است.	

جدول ۵. واژه‌شناسی از هشت کتاب سهراب سپهری. مأخذ: نگارندگان.

عناصر معماری

نام واژه	تعداد واژه	اشعار منتخب و مرتبط با عناصر معماری	صفحه	منبع	تفسیر
خانه	۹	خانه‌ای در طرف دیگر شب ساخته‌ام. من در این خانه به گمنامی نمناک علف نزدیکم/خانه دوست کجاست؟ در فلق بود که پرسید سوار، آسمان مکتی کرد./ من به خانه بازگشتم، مادرم پرسید: میوه از میدان خریدی هیچ؟/ خانه‌هاشان پر داوودی بود، چشمشان را بستیم.	۶۵ ۸۶ ۸۹ ۹۰	صدای پای آب حجم سبز حجم سبز حجم سبز	خانه در این جا نماد مکان و فضای حضور خداوند است.
اتاق	۲۰	ابری در اتاقم می‌گرید. گل‌های چشم پشیمانی می‌شکند.	۱۷	زندگی خواب‌ها	اشاره به تنهایی انسان دارد.
مسجد	۲	جنگ پیشانی با سردی مهر حمله کاشی مسجد به سجود	۶۴	صدای پای آب	اشاره به فضای پاک دارد.
بیمارستان	۱	و نپرسیم کجاییم، بوکنیم اطلسی تازه بیمارستان را.	۶۸	صدای پای آب	معنی مکان و فضا دارد.
درگاه	۳	آفتابی لب درگاه شماسست/ زن دم درگاه بود با بدنی از همیشه/ باز که گشتم، زن دم درگاه بود با بدنی از همیشه‌های جراحی.	۹۰ ۹۹ ۱۰۰	حجم سبز ما هیچ ما نگاه ما هیچ ما نگاه	به آستانه ورودی اشاره دارد.
خیابان	۴	زندگی یافتن سکه ده شاهی در جوی خیابان است./ سپورهای خیابان سرود می‌خواندند.	۶۷ ۷۶	صدای پای آب مسافر	به معنی فضا و محل گذراست.

جدول ۶. واژه‌شناسی از هشت کتاب سهراب سپهری. مأخذ: نگارندگان.

مصالح معماری

نام واژه	تعداد واژه	اشعار منتخب و مرتبط با مصالح معماری	صفحه	منبع	تفسیر
آجر	۲	قطره‌های باران راه، درز آجرها راه، می‌شمارد.	۶۶	صدای پای آب	به معنای ذره به کار رفته است.
شیشه	۱۲	درون شیشه‌های رنگی پنجره‌ها، هر جا که چشمانم بی‌خودانه در پی چیزی ناشناس بود/مادر مرا می‌ترساند: لولو پشت شیشه‌هاست! ومن توی شیشه‌ها تو را می‌دیدم/ شیشه پنجره شکست و فرو ریخت: لولوی شیشه‌ها شیشه عمرش شکسته بود/ و هواپیمایی، که در آن اوج هزاران پایی خاک از شیشه آن پیدا بود/ زندگی دیدن یک باغچه از شیشه مسدود هواپیماست. خیر رفتن موشک به فضا/ از هجوم روشنایی شیشه‌های در تکان می‌خورد صبح شد، آفتاب آمد.	۲۱ ۲۳ ۲۴ ۶۲ ۶۷ ۹۱	زندگی خواب‌ها زندگی خواب‌ها زندگی خواب‌ها صدای پای آب صدای پای آب حجم سبز	به معنی شیشه و کنایه از جذابیت‌های دنیا و به جای دریچه و محل نظر به کار رفته است.
سنگ	۳۸	کشیده از پس یک سنگ سوسماری سر زخوف دره خاموش/ با خود آوردم ز راهی دور سنگ‌های سخت و سنگین را برهنه‌ای/ سنگی می‌شکنم، رازی با نقش تو می‌گویم/ سربر سنگ، و هوایی که خنک، و چناری که به فکر، و روانی که پر از ریزش دوست/ رویش هندسی سپیمان، آهن، سنگ. سقف بی‌کفتر صداها اتوبوس/ در میان دو درخت گل یاس، شاعری تابی می‌بست. پسری سنگ به دیوار دبستان می‌زد/ سنگ‌آرایش کوهستان نیست/ و باران تندی گرفت و سردم شد، آن وقت در پشت یک سنگ/ بعد، وقتی که بالای سنگی نشستیم هجرت سنگ را از جوار کف پای خود می‌شنیدم/	۸ ۱۱ ۵۲ ۵۸ ۶۳ ۹۰ ۹۵ ۱۰۶	مرگ رنگ مرگ رنگ شرق اندوه صدای پای آب صدای پای آب حجم سبز حجم سبز ما هیچ ما نگاه	به معنی واقعی سنگ و استقامت و سختی به کار رفته است.
خشت	۲	خشت می‌افتد از این دیوار، رنج بیهوده نگهبانش برد.	۷	مرگ رنگ	به معنی خشت به کار رفته است.
پنجره	۴۲	درون شیشه‌های رنگی پنجره‌ها، میان لک‌های دیوارها/ بگذار پنجره را به رویت بکشایم/ شیشه پنجره شکست و فرو ریخت: لولوی شیشه‌ها شیشه عمرش شکسته بود/ زنی شنید، کنار پنجره آمد نگاه کرد به فصل، در ابتدای خودش بود/ سر هر دیواری می‌خکی خواهیم کاشت پای هر پنجره‌ای شعری خواهیم خواند/ زن همسایه در پنجره‌اش، توری بافت، می‌خواند/ من به اندازه یک ابر دلم می‌گیرد وقتی از پنجره می‌بینم حوری دختر بالغ همسایه پای کمیاب‌ترین نارون روی زمین فقه می‌خواند.	۲۱ ۲۴ ۲۴ ۷۹ ۸۲ ۸۳ ۹۴	زندگی خواب‌ها زندگی خواب‌ها زندگی خواب‌ها مسافر حجم سبز حجم سبز حجم سبز	اشاره به پنجره و دریچه و افق روشن دارد.
گل	۴	روی بام گنبدی کاهگلی ایستاده‌ام، شبیه غمی/ این بام گلی، آری، این بام گلی، خاک است و من و پندار/ آب را گل نکنیم در فرو دست انگار، کفتری می‌خورد آب/ گل نکردندش، ما نیز آب را گل نکنیم.	۳۳ ۵۲ ۸۳ ۸۴	آواز آفتاب شرق اندوه حجم سبز حجم سبز	اشاره به مصالح و از بین بردن و نابود کردن دارد.

جدول ۷. عناصر آرمانی و پادآرمانی در اشعار. مأخذ: نگارندگان.

عنوان	آثار	عناصر آرمان شهر و پادآرمان شهر
سهراب سپهری	مرگ رنگ	از نظر سهراب شخص دریافت‌ه چیزی در این پوسته هست و آن را سرآغاز راه شناخت و رسیدن به آرمان شهر می‌داند.
	زندگی خواب‌ها	به شرح دوران زندگی خود و مضامین عاشقانه پرداخته است.
	آوار آفتاب	سهراب با رویکردی عرفانی و عاشقانه و با دیدی طبیعت‌گرا به تفسیر سفر به جهانی خوش می‌پردازد که رویای اوست.
	شرق اندوه	سهراب با رویکردی عالمانه به عرفانی شرقی اشاره دارد.
	صدای پای آب	سهراب با زبانی به سادگی آب و با ظرفیت کامل مفاهیم عمیق فلسفی و عرفانی را به تصویر می‌کشد.
	مسافر	حدیث جستجوی انسان در دنیا است انسانی که از دنیای دیگر آمده، غریب مانده و به دنبال آرمان شهر خویش می‌گردد.
	حجم سبز	طبیعت‌گرایی سهراب بخش بارز آن است و بیان زلالی و شفافیت را راز هستی و آرمان شهر می‌داند.
	ما هیچ، ما نگاه	شاعر عروج خود را با زن آغاز کرده و با آن ختم می‌کند و آن را نیمه دیگر خلقت می‌داند و او را در آرمان شهرش تصور می‌کند.

جدول ۸. رویکرد و پیام اشعار. ماخذ: نگارندگان.

عنوان	آثار	پیام	رویکرد
	مرگ رنگ	شناخت	رنگ نشانه همه عالم و مرگ این پوست، نشان از وجود چیزی فراتر از آن است.
	زندگی خوابها	خواب بودن آدمی	طعنه از خواب بودن انسانها در زندگی و بیداری پس از مرگ
	آوار آفتاب	توجه به طبیعت	شوروشوق آمیختگی با طبیعت
اشعار سهراب سپهری	شرق اندوه	عرفان	توجه به عرفان شرقی و تحت تأثیر غزلیات مولوی با اشعار شادمانه و شورانگیز
	صدای پای آب	عرفان	سهراب با زبانی ساده مفاهیم فلسفی و عرفانی را به تصویر می‌کشد.
	مسافر	هدف از آفرینش انسان	زندگی انسان در این دنیا با هدف شناخت خود و راه‌های رسیدن به خدا
	حجم سبز	توجه به طبیعت	طبیعت‌گرایی و راز هستی
	ما هیچ، ما نگاه	عشق	شاعر با مضامین عاشقانه به معبود خود می‌رسد.

مقایسه‌ای با آرمان شهر فریدون مشیری داشته باشیم.

نتیجه‌گیری

این پژوهش هشت کتاب سهراب و کتاب‌های فریدون مشیری را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و دیدگاه شعر معاصر و مولفه‌های آن را به تفسیر کشیده و میزان اثرپذیری از اجتماع و اثربخشی آن را درمی‌یابد و تصویری روشن و شفاف از آرمان‌خواهی این شاعران ارائه می‌کند. دستاورد این بررسی نشان می‌دهد که سپهری علاوه بر دلبستگی به عرفان و آموزه‌های ادیان شرق، از اسلوب و کارکردهای مکاتب ادبی غرب هم اطلاع کافی داشته است، وی در هر دوره‌ای از سیر زندگی هنری خود به فراخور شرایط فکری و عقیدتی و ذوق هنری، از آنها تأثیر پذیرفته است. البته اندازه و کیفیت هر کدام در هر دوره متفاوت بوده است. سهراب سپهری در اشعارش همچون اثر مرگ رنگ، از نظر سهراب شخص دریافتی چیزی در این پوسته هست و آن را سرآغاز راه شناخت و رسیدن به آرمان شهر می‌داند. در حجم سبز طبیعت‌گرایی سهراب بخش بارز آن است و بیان زلالی و شفافیت را راز هستی و آرمان شهر می‌داند. وی در شعر صدای پای آب، با زبانی به سادگی آب و با ظرفیت کامل مفاهیم عمیق فلسفی و عرفانی را به تصویر می‌کشد. و شعر مسافر، حدیث جستجوی انسان در دنیا است انسانی که از دنیای دیگر آمده، غریب مانده و به دنبال آرمان شهر خویش می‌گردد.

و از بررسی آثار فریدون مشیری می‌توان به این نتیجه رسید که عشق و عواطف انسانی محور بیشتر شعرهای فریدون مشیری

است. چنانکه از نظر او عشق، حلقه اتصال تمام اجزای طبیعت به یکدیگر است. به گونه‌ای که می‌توان عناصر آن را در هستی جستجو کرد.

مشیری در آثارش همچون اثر با پنج تن سخن سرا، عشق خود به شاعران بزرگ ایران زمین را منعکس می‌کند. این مجموعه شامل سروده‌هایی در توصیف فردوسی، خیام، نظامی، سعدی و حافظ است و همچنین در ابر و کوچه، زمزمه‌های اعتراض شاعرانه‌ای شکل می‌بندد؛ خاموش، بی سروصدا و خالی از شعار و غوغاسازی. این جا هراسی از نامردمی‌ها تجاوز انسان جنگ و خونریزی را زمزمه می‌کند. زمزمه‌های اعتراض آمیزی که متوجه بی عدالتی‌های گاه و بیگاه انسان است و رهایی از آن غیر ممکن و بار دیگر نگاهی متفاوت در ماه و سنگ دارد و بر ارزش مقام مادر تأکید می‌کند و او را والاتر از هر چیز می‌داند. ویژگی‌های شهر آرمانی فریدون مشیری، عدالت، انسانیت و توجه به ابعاد انسانی، صلح و آشتی، مهرورزی و عشق و محبت است. به نظر می‌رسد مهرورزی و محبت مهم‌ترین عنصری است که آرمان شهر مشیری را شکل می‌دهد. شعر او، شعر عشق، محبت، مهر و عاطفه است. در دیوان او کمتر شعری است که جامعه بشری را به مهر و راستی، درستی، عشق و محبت دعوت نکرده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Utopia

فهرست منابع

- سرکوهی، فرج. (۱۳۶۹). نقشی از روزگار، شیراز: نشر شیوا.
- شاکری یکتا، محمدعلی. (۱۳۸۷). آسمانی تر از نام خورشید: زندگی و شعر فریدون مشیری، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- شاه‌سنی، شهرزاد. (۱۳۷۷). دادپرور دیار. آرمانشهر نظامی گنجوی. کیهان فرهنگی، (۱۴۸): ۳۲.
- شریفیان، مهدی. (۱۳۸۶). بررسی فرایند نوستالوژی غم غربت در اشعار فریدون مشیری. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، (۶۸-۶۹): ۶۴-۸۵.
- صاحب‌اختیاری، بهروز. (۱۳۸۱). فریدون مشیری: شاعر کوچۀ خاطره‌ها، تهران: هیرمند.
- محمدی آملی، محمدرضا. (۱۳۸۲). ترانه آبی زندگی (بررسی زندگی اجتماعی و ادبی فریدون مشیری)، تهران: نگاه.
- مشیری، فریدون. (۱۳۸۶). بازتاب نفس صبحدمان: کلیات اشعار، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- مشیری، فریدون. (۱۳۸۴ الف). از دریچۀ ماه، تهران: نشر چشمه.
- مشیری، فریدون. (۱۳۸۴ ب). نوائی هم‌آهنگ باران: شعرهای چاپ نشده، تهران: نشر چشمه.
- مشیری، مهشید. (۱۳۷۵). چهل سال شاعری: نگاهی به شعر فریدون مشیری، تهران: نشر البرز.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی. (۱۳۷۴). کلیات دیوان شمس تبریزی. به اهتمام منصور مشفق. تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- منتظمی، علی و نوروزی، علی و احمدی چناری، علی اکبر. (۱۳۸۹). اندیشه آرمانشهر در قصیده «علی بساط الریح» فوزی معلوف، مجله زبان و ادبیات عربی، ۱ (۲): ۱۷۲-۱۴۷.
- آشوری، داریوش، امامی، کریم و معصومی همدانی، حسین. (۱۳۵۹). پیامی در راه، تهران: نشر طهوری.
- ارسطو. (۱۳۶۹). ارسطو و فن شعر، ت: عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: امیرکبیر.
- اصل، حجت‌الله. (۱۳۸۱). آرمانشهر در اندیشه ایرانی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- افشار، مهدی. (۱۳۷۷). گذری و نظری بر احوال فریدون مشیری شاعر معاصر ایران، تهران: شهر کتاب.
- افلاطون. (۱۳۷۹). جمهور، ت: فواد روحانی، چاپ دهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۰). مجموعه کامل اشعار ۱۳۸۵-۱۳۵۹، چاپ هشتم، تهران: مروارید.
- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). دانشنامه ادب فارسی، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حسینی، صالح. (۱۳۷۵). نیلوفر خاموش: نظری به شعر سهراب سپهری، چاپ چهارم، تهران: نشر نیلوفر.
- حقوقی، محمد. (۱۳۷۸). سهراب سپهری: شعر سهراب سپهری از آغاز تا امروز: شعرهای برگزیده، تفسیر و تحلیل موفق‌ترین شعرها، چاپ نهم، تهران: نشر سیمای دانش.
- دهباشی‌علی. (۱۳۷۸). به نرملی باران (جشن نامه فریدون مشیری)، تهران: شهاب‌ثاقب و سخن.
- سپهری سهراب. (۱۳۷۷). هشت کتاب. چاپ بیستم. تهران: نشر طهوری.
- سپهری، سهراب. (۱۳۹۰). هشت کتاب، چاپ دوم، قم: پدیده دانش.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حق لسان، مسعود، عباس‌زاده، زهره و اسلام‌پور، محمدحسین. ۱۳۹۷. اندیشه‌های آرمان‌شهر و یادآرمان‌شهر از دیدگاه صاحب‌نظران شعر معاصر ایران (سهراب سپهری و فریدون مشیری). باغ نظر، ۱۵ (۶۳): ۶۵-۷۴.

DOI: 10.22034/bagh.2018.67411

URL: http://www.bagh-sj.com/article_67411.html

